



۱: پل گذر عابر پیاده تجریش، دید از شرق به غرب، مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۹.

نظرگاه شهر

نگاهی به ظرفیت فراموش شده میدان تجریش

شاید از همه مهم‌تر دارا بودن خصلت «مکانی» هستند. از زاویه‌ای دیگر و با یک نگاه هویت‌گرایانه می‌توان چشم انداز و نظرگاه‌های شهر را شناسنامه‌ها و صفحه کنترل شهر دانست؛ چه حتی از معنای لغوی نظرگاه بر می‌آید که مکث و تأمل از خصوصیات چنین مکانی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت:

زندگی مشترک در نظرگاه‌های شهری = تصویر مشترک از شهر = فهم مشترک شهروندان از شهر = پیوندها و توسعه اجتماعی قوی‌تر و کامل‌تر.

فهم مشترک شهروندان از یک فضا و امکان سهیم کردن آن با دیگران، یکی از مهم‌ترین مباحث نظری معماران منظر در دهه اخیر است. در شهرهایی با سابقه تاریخی هم چون تهران که سرشار از چنین اماکن و خاطرات جمعی و زمینه‌های شکل‌گیری مؤثر در پیوند شهروندان با شهر است، مسئولان از این مباحث نظری عقب مانده و در پیچ و خم هزارتوی مسائلی چون ترافیک و وسایل نقلیه و عبور و مرور گرفتار شده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به پل گذر

چون خصلت مکان، هویت آن و روح مکان جاری بر آن منطقه می‌داند. با توجه به این دو نظریه می‌توان اساس شکل‌گیری یک مکان را درگرو استفاده‌کنندگان از آن مکان و نیز ویژگی‌های بالقوه محیط دانست. زمانی که پای استفاده مخاطب به میان می‌آید، نظریات مختلف در مورد چگونگی بهبود کیفیت فضا مطرح می‌شود.

نظرگاه‌های شهری موقعیت‌هایی در شهر است که به ما امکان درک کلی از شهر را می‌دهد و فصل مشترک درک شهروندان از شهر به حساب می‌آید. فهم بشر از شهر، محصول ادراکات جزئی و کلی از شهر است. نظرگاه این قابلیت را دارد که به شهروندان خاطره مشترک و امکان ادراک کلی از شهر را بدهد.

چشم‌اندازها و نظرگاه‌های شهری از یک نقطه نظر، مهم‌ترین نقاط عطف و نشانه‌های شهری محسوب شده و از نگاه دیگر، شخصیت فضایی مستقل با کیفیتی بی‌نام دارد که ماحصل گره خوردن چندین ماهیت از فضا چون حس مکان، حس تسلط، قابلیت دید وسیع و امکان مقایسه و

همه ساله می‌توان شاهد تغییراتی چون اضافه شدن مبلمان جدید به نقاط مختلف شهر بود. هریک از این اثاثیه شهری جدای از هدف اولیه ساخت؛ امکانات، مزایا و حتی معایبی دارند که گاه در ابتدای امر بر استفاده‌کنندگان و حتی طراح روشن نبوده و تنها در گذر زمان و نحوه برخورد فرهنگ جامعه با آنها، این نواقص پنهان، شروع به خودنمایی می‌کند. از جمله این اثاثیه می‌توان به طور عام به پل‌های گذر عابر پیاده اشاره کرد که در بیشتر مواقع، با هدف رفع نیازهای ترافیکی نصب می‌شوند، در حالی که با گذر زمان، پتانسیل‌هایی فراتر از عبور و مرور، بر این پل‌ها مترتب می‌شود.

«کریستوفر الکساندر» هویت یک مکان را در گرو تکرار متناوب الگوهای رفتاری در یک محل خاص و «شولتز» شکل‌گیری مفهوم آن را مستتر در ویژگی‌های محیطی



امیر حیدری
کارشناس ارشد
معماری منظر

ah_archy@yahoo.com



۴: اکنون این مناظر فقط از درز پوستر تبلیغاتی و به سختی قابل مشاهده است، مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۹.



۲: پوستر تبلیغاتی که منظر طبیعی و یکی از خاطره‌های جمعی مردم شمیران را مخدوش کرده است، مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۹.



۳: منظره قابل رؤیت قبل از نصب پوستر تبلیغاتی و امکان دید وسیع به پل جریش و کوه‌های البرز، مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۹.



۵: گذر از تونل‌های فلزی پل و عدم دید و ارتباط بصری با اطراف، سهم عابرین پیاده تجریش، مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۹.

عابرین پیاده بر روی پل‌های هوایی، مانند مسافرین ایستگاه‌های مترو، تنها با نصب یک تابلوی تبلیغاتی، از دیدن چشم‌انداز کم‌نظیر تاج‌های برافراشته درختان خیابان ولیعصر و کوه‌های البرز عاجزند. کدام یک گران‌بها تر است؟

از تفرجگاه‌های مردم شهر تهران است، فراهم شده ولی این پتانسیل با یک تصمیم عجولانه، توسط پوستر تبلیغاتی پل گذر عابر پیاده، مورد بی‌توجهی مسئولین قرار گرفته و در دست نابودی است (تصویر ۴). شاید بتوان گفت «کیفیت بی‌نام» که الکساندر آن را مهم‌ترین جزء در بقای شهر می‌داند^۳، به راحتی و با دستان توانمند متخصصین تبلیغات از یک پل عابر پیاده که می‌تواند از مهم‌ترین نظرها‌های مصنوع شهر باشد، سلب شده است؛ کیفیتی که «لوکوبوزیه» آن را ذات و غریزه بشر برای تسلط بر افق می‌خواند.

گشودگی بصری موجود، در محدوده پل تجریش است. بنابراین پرسبکتیو یک نقطه‌ای که از امتداد کشیدگی این دو جداره ایجاد شده و گریز چشم را به سمت انتها (میدان تجریش) هدایت می‌کند، ضرورت نیاز به یک گشودگی را روشن می‌سازد که متأسفانه با تشکیل یک جداره سوم (نصب تابلوی تبلیغاتی)، این گشودگی نیز از بین رفته و ناظرین ناچار به نظاره یک تبلیغ اجباری بوده (تصویر ۲) و کریدور دید در هر دو طرف پل تجریش بسته شده است (تصویر ۳). از همه مهم‌تر اینکه بعد از سال‌ها و تقریباً به صورت اتفاقی، امکان ایجاد یک نظرها‌ه و چشم‌انداز مصنوعی در محدوده سر پل تجریش که از اماکن پر رفت و آمد و یکی

عابر پیاده تجریش اشاره کرد که کفشی ملی در قسمت شمالی و آستانه امامزاده صالح در قسمت جنوبی خیابان شهرداری را به یکدیگر متصل می‌کند. اگرچه علت اولیه احداث پل، حل مسئله ترافیک عابرین پیاده بین دو قسمت شمالی و جنوبی خیابان شهرداری بوده است (تصویر ۱)؛ اما تنها چند روز پس از بهره‌برداری، در عین اینکه مورد توجه و استقبال مردم قرار گرفت، تابلوهای تبلیغاتی، بدنه پل را پوشاند و یکی از پتانسیل‌های به وجودآمده در میدان تجریش (دید به کوه‌های شمال شهر) در نطفه خفه شد. حفاصل میدان قدس تا سر پل تجریش، توسط ساختمان‌های تجاری و اداری مسدود شده و تنها

پی‌نوشت

۱. معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن، ص ۱۵.
۲. روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری، صص ۲۵-۳۰.
۳. تئوری جدید طراحی شهری، صص ۱۸-۱۲.

منابع

- الکساندر، کریستوفر (۱۳۷۳) تئوری جدید طراحی شهری، ترجمه: واحد تحقیق و ترجمه شرکت طاش، نشر توسعه، تهران.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهدی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- منصور، سید امیر (۱۳۸۸) جزوه درس منظر شهری، دانشگاه تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۸) روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه: محمدرضا شیرازی، انتشارات کام نو، تهران.